

# بر آستان وفا

## دکتر علی مظلومی



### مقدمه

نوشتن در مورد انسانی چون دکتر مظلومی، بسیار سخت می‌باشد. شأن و مرتبه ایشان در حدی بود که جرات دست به قلم بردن را از آدمی سلب می‌کند:

قلم از عشق بشکند، چو نویسم نشان تو

خودم راه گم کند ز فراق گران تو

با این حال، باید از این بزرگ‌مرد تاریخ داروساز ایران یادی می‌شد و خوش‌بختانه، جمعی به یاری شتافتند تا بتوان این بار امانت را - در حد بضاعت - بر دوش کشید. سرکار خام مقسومی، همسر بزرگوار جناب آقای دکتر مظلومی، علی‌رغم مشکلات متعدد دست‌نوشته‌ای در مورد زندگی ایشان تهیه کردند. سرکار خانم دکتر منتظری و دکتر مخدومی در رساندن این دست‌نوشته‌ها به ماهنامه دارویی رازی تلاش فراوانی به خرج دادند و در نهایت، دکتر سرکندی تنظیم و بازنویسی این دست‌نوشته‌ها را بر عهده گرفتند. در اینجا لازم است از همگی ایشان تشکر و قدردانی به عمل آورد و به تمامی داروسازان به خاطر ضایعه مؤلمه فقدان دکتر علی مظلومی تسلیت عرض گردد.

ماهنامه دارویی رازی

در اول مهر ماه سال ۱۳۲۸، آخرین فرزند پسر خانواده از دامان مادری مومنه متولد می‌شود که نامش را علی می‌گذارند و کامش را با تربت کربلا می‌گیرند. گویا عشق سالار شهیدان از همان زمان در تک‌تک سلول‌های بدنش جای گرفت. هرچند طول زندگی زیاد نبود اما عرض آن قابل ملاحظه بود حداقل در مقابل انسان‌هایی که دنیا را عرصه تاخت و تاز هوس‌ها و امیال دنیایی می‌دانند. اگر بخواهیم در چند جمله اخلاق و منش و تفکر او را بیان کنیم، باید بگوییم که با اقتدا به مولایش علی (ع)، همیشه سعی می‌کرد در مسیر عدالت گام بردارد، هرچند سخت و دشوار باشد و خلقتش مانند امام حسن (ع) نیکو بود و آرامش را به اطرافیانش هدیه می‌داد. در رویارویی با دشمنان دین در پیروی از سالار شهیدان در صف اول بود و هیچ هراسی جهت اقامه حق به دل راه نمی‌داد. زمزمه‌های نیمه شبش را با ادعیه صحیفه سجادیه پیوند می‌زد، در روز جهت کسب علم تلاش می‌کرد و از آنچه آموخته بود در راه خدمت به خلق خدا بهره می‌جست. در کلامش صادق بود و از دورویی، نفاق، غیبت و تهمت بیزار بود. یاد گرفته بود که باید تسلیم و رضای خواسته حق تعالی باشد. بخشندگی و کرمش را از مکتب امام جواد آموخته بود و در نهایت، به امام زمانش عشق می‌ورزید و آرزوی خدمت در رکاب ایشان را داشت.

دکتر مظلومی پس از اخذ دیپلم، وارد رشته داروسازی دانشگاه اصفهان شد و در سال ۱۳۵۴ موفق به اخذ مدرک دکترای داروسازی گردید. ایشان در سال ۱۳۵۶، در سن ۲۸ سالگی با بنده که

دوره تربیت معلم را به پایان رسانده و در آن هنگام ۱۹ ساله بودم، ازدواج کردند. زندگی مشترکمان با مراسم عقدی ساده و مسافرت به مشهد مقدس آغاز گردید. مهم‌ترین ملاک من برای ازدواج با ایشان، ایمان و تقوی آقای دکتر مظلومی بود. زندگی مشترک ما برای من سراسر درس بود و ایشان استاد اخلاق من بودند. من از ایشان درس خوب بندگی کردن، تواضع بسیار، قانع بودن، نظم و خلوص آموختم. عبادت‌های ایشان و بالاتر از همه حسن خلق و مهربان بودن ایشان همگی باعث آرامش من در زندگی بود. زیرساخت‌های دین حیا، عفت و ورع می‌باشد. زمانی که انسان در جایگاه اجتماعی بالاتری قرار می‌گیرد، باید ترمزهای قویتری داشته باشد که آن ورع است که دکتر مظلومی از حیا، عفت و ورع برخوردار بودند.

دکتر مظلومی در تیر ماه سال ۱۳۵۶ به‌عنوان کارشناس دارویی در شرکت داروپخش مشغول به کار شدند که تا تیر ماه سال ۱۳۵۷ ادامه داشت و در تیر ماه ۱۳۵۷ به‌عنوان مدیرمسئول تولید دارو به آن کارخانه رفتند که تا اردیبهشت سال ۱۳۵۹ ادامه داشت. از این دوران به بعد به خاطر انقلاب اسلامی، مسؤولیت‌های ایشان در نظام دارویی سنگین‌تر می‌گردد (جدول).

مهم‌ترین اقدامات ایشان در طول خدمت در نظام دارویی عبارتند از:

- ۱ - برنامه‌ریزی تهیه و تدارک کلیه اقلام دارویی و پزشکی مورد نیاز به ویژه در دوران دفاع مقدس
- ۲ - برنامه‌ریزی جهت تامین شیرخشک مورد نیاز نوزادان و شیرخواران

عنوان شغل	سازمان متبوع	از تاریخ	تا تاریخ
۱ - کارشناس دارویی	داروپخش	۵۶/۴	۵۷/۴
۲ - مدیرمسئول تولید دارو	تولید دارو	۵۷/۴	۵۹/۲
۳ - کارشناس فنی	شرکت سهامی دارویی کشور	۵۹/۲	۵۹/۸
۴ - رئیس اداره خرید دارو	شرکت سهامی دارویی کشور	۵۹/۵	۶۰/۴
۵ - عضو هیئت مدیره	شرکت سهامی دارویی کشور	۶۰/۴	۶۴/۲
۶ - مدیرکل نظارت بر مواد غذایی و بهداشتی	وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی	۶۴/۳	۶۶/۱۰
۷ - سرپرست واحد دارویی ستاد مصلومین و مجروحین	وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی	۶۷/۱	تا پایان کار ستاد
۸ - قائم مقام معاون دارو و غذا	وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی	۶۷/۹	۶۹/۴
۹ - مدیرعامل پخش رازی	سازمان صنایع ملی ایران	۶۹/۴	۷۰/۴
۱۰ - قائم مقام معاون دارو و غذا	وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی	۷۰/۴	۷۴/۹
۱۱ - رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل	شرکت سهامی دارویی کشور	۷۴/۱۱	۷۶/۱۲
۱۲ - مامور خدمت به تامین اجتماعی	سازمان تامین اجتماعی	۷۷/۱	۸۲/۷
۱۳ - مدیرکل اداره نظارت بر امور دارو و مواد مخدر	وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی	۸۲/۷	۸۴/۳
۱۴ - مدیرعامل لابراتوارهای رازک	تامین اجتماعی	۸۴/۶	تا ۸۶/۴

تشویق نامه‌هایی دریافت کرده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها بدین قرار هستند:

- ۱ - تشویق نامه از معاون امور جنگ وزارت بهداشت در تاریخ ۱۹ اردیبهشت سال ۱۳۶۹ به خاطر رفع نیازمندی‌های رزمندگان و مجروحان گرانقدر جنگ تحمیلی
- ۲ - تشویق نامه از وزیر بهداشت، درمان و

۳ - تهیه ضوابط و آیین‌نامه‌های مورد نیاز در امر تهیه و تدارک اقلام دارویی

۴ - تهیه و تدوین ضوابط و مقررات مربوط به مواد غذایی و بهداشتی

۵ - تهیه ضوابط و سازمان‌دهی امور مربوط به ورود و قیمت دارو در کشور  
دکتر مظلومی طی سال‌های خدمت برخی

آموزش پزشکی در تاریخ ۱۱ اسفند سال ۱۳۷۵ به دلیل تلاش در جهت اهداف شرکت سهامی دارویی کشور

۳ - تشویق نامه از وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در تاریخ ۷ اسفند سال ۱۳۸۲ به علت اجرای سیاست‌های دولت در جهت رفع انحصار واردات دارو

۴ - تشویق نامه از معاون غذا و داروی وزارت بهداشت در ۴ اردیبهشت سال ۱۳۸۴ به خاطر تفویض برخی امور جاری داروخانه‌ها به دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور

آقای دکتر مظلومی عاشق و بنده خدا بود، در طول زندگی با ایشان به این مطلب رسیدم که اگر قدم در این راه بگذاری و تنها هدف رضای خاطر او باشد او نیز لطف خاص خود را از بندگان باایمانش دریغ نمی‌کند و بزرگ‌ترین حامی بنده خود خواهد بود. دکتر مظلومی تا جوان و سلامت بودند، قدر جوانی و سلامت خود را داشتند، از فرصت‌ها در

زندگی بهترین استفاده را بردند و در جهت بندگی خداوند و خدمت به خلق خدا کوتاهی نکردند. حاصل ازدواج بنده و جناب آقای دکتر مظلومی سه فرزند، یک پسر (متولد سال ۱۳۵۸ و مهندس صنایع)، دو دختر (یکی متولد سال ۱۳۶۹ که وارد دوره پیش‌دانشگاهی شده و دیگری متولد سال ۱۳۷۰ است که در دوره دبیرستان می‌باشد) هستند.

دکتر مظلومی تقریباً یک سال اخیر به شدت از بیماری رنج می‌بردند. بیماری ایشان، سرطان کولون، از تیر ماه ۱۳۸۵ مشخص گردید اما هنگامی که اطبا بیماری را تشخیص دادند، به کبد متاستاز داده بود. طی مدت یک سال، بیماری ایشان روز به روز بدتر می‌شد و در این اواخر، برای ایشان مشکلات تنفسی و ریوی ایجاد گردیده بود که همین عامل باعث فوت دکتر علی مظلومی در تاریخ ۱۳ تیر سال ۱۳۸۶ شد و ایشان را در امامزاده فیض به خاک سپردند.

در رفتن جان از بدن گویند هر نوعی سخن

من خود به چشم خویشان دیدم که جانم می‌رود

